

تاریخ فهرست نگاری در ایران

دکتر علینقی منزوی

ایادنامه‌ی دکتر غلامحسین صدیقی، گردآوری؛ دکتر پرویز ورجاوند، تهران، انتشارات چاپ‌پخش،
1372، صص 474-502

از آن جا که من مانند برادرم احمد منزوی فهرست‌نگاری را حرفه‌ی ارثی و تخصص خود می‌دانم که از پدرمان شادروان حاج آقا بزرگ تهرانی به ما رسیده است، تصمیم گرفتم برای یادنامه‌ی شادروان «استاد بزرگوارم» دکتر غلامحسین صدیق (1370-1284) تاریخچه‌ای از این هنر یا حرفه‌ی علمی تقدیم دارم. خوشبختانه این استاد معظم که من در دوره‌ی دکترای الهیات تا سال 1337 خ افتخار شاگردی ایشان را داشته‌ام خود نیز به فهرست‌نگاری علاقه‌ی ویژه داشت و آن را مادر تاریخ علم می‌خواند. استاد نه تنها در سال 1332 خ در مقدمه‌ی قراضه‌ی طبیعیات فهرستی از آثار علمی نثر فارسی تا پایان سده‌ی پنجم را ثبت نمود، در تیر ماه سال 1345 خ نیز در ویژه‌نامه‌ای که مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات برای یادبود شادروان عبدالعظیم قریب پخش کرد، مقالاتی با عنوان «بعضی از کهن‌ترین آثار نثر فارسی تا پایان قرن چهارم هجری» درج فرمودند. اینک این اثر ناچیز را به یادنامه‌ی ایشان تقدیم می‌دارم.

فهرست

1- واژه‌ی فهرست: این واژه در لغتنامه‌های فارسی به معنی صورت ریز محتویات کتاب یا فصل است که در آغاز یا انجام آن آرند. دهخدا در لغتنامه می‌افزاید: «و نوشته‌ای که آن اسامی کتاب‌ها باشد.» فیروزآبادی در قاموس گوید: «الفهرس، هوالکتاب الذی یجمع فیہ اسماء الکتب.» در فرهنگنامه‌های فارسی «فهرست» و «فهرس» هر دو آمده است، لیکن بی «تاء» در فارسی کمتر به کار رفته است. خوارزمی در مفاتیح العلوم فهرست را به معنی صورت کارها و دفاتر آورده است لیکن در عربی امروز با تاء کمتر به کار رود و برخی آن را غلط فاحش دانسته‌اند. به هر حال در معرب بودن آن همگان متفق‌اند، ولی دهخدا و دکتر معین ریشه‌ی آن را پهلوی و برخی ترکان معاصر ریشه‌ی آن را رومی شمردند (قیانوس در ترکی قاموس، ج 2، ص 273).

2- کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی امروز: فهرست معمولاً شامل دو گونه معلومات است: الف. اطلاعات درباره‌ی کتاب و نگارنده‌ی آن که اخیراً بخش «کتاب‌شناسی» نامیده می‌شود. ب. آگاهی‌های رایج به فلان نسخه یا نسخه‌های کتاب که به «نسخه‌شناسی» شهرت یافته است. گرچه این تقسیم اخیراً متداول شده است، لیکن کاتالوگ‌های کهن را نیز می‌توان با همین دوگانگی به دودسته تقسیم نمود. فهرست‌هایی که برای تألیفات اشخاص یا گروه‌های معین نگاشته شده و هم‌چنین فهرست‌واره‌های مندرج در اجازات، بیشتر به کتاب‌شناسی توجه دارد و فهرست‌هایی که برای کتابخانه یا کتابخانه‌های معین نگاشته شده، به نسخه‌شناسی بیشتر توجه دارد.

3- تاریخ پیشرفت علم و اندیشه در جامعه از آن جا که نام بیشتر رساله و کتاب‌ها در دوران کهن اسلامی با موضوع آن نزدیک است، فهرست‌ها هر چند ساده و تنها لیستی از نام کتاب‌ها را در بر داشته باشد، باز هم بسیاری از

تاریکی‌های تاریخ علم را بر طرف می‌سازد، و از کشاکش‌های علمی دانشمندان با یکدیگر و نظریات علمی و عقیدتی هر یک پرده برمی‌دارد. در ملل و نحل، عقاید فلسفی بسیاری از بزرگان فلسفه و کلام از همین فهرست‌ها به دست آید.

4- فهرستواره‌های مندرج در اجازه‌نامه‌ها و مشیخه‌ها شاید بتوان اجازه‌نامه را نمونه‌ی بازمانده از زمان‌های محدودیت علم و جلوگیری از تصمیم آن در میان همه‌ی قشرها شمرد. واژه‌ی «اجازه» نیز این گمان را تقویت می‌کند، و گرنه بایستی «شهادت‌نامه» یا همانندش می‌خواندند، چنان که در میان صوفیان به «ارشاد‌نامه»، «شجره - نامه»، یا «کرسی‌نامه» تعبیر شده است. (فهرست گنج، بخش 4، ص 2082؛ همان، ص 2180؛ همان، ص 2134؛ نفیسی، تاریخ نثر و نظم، ج 1، صص 322، 610) و در میان پیشه‌وران و اهل فن به کسوت‌نامه تعبیر می‌شده است (فهرست مشترک فارسی پاکستان، ج 4، صص 2509-2513) و اسماعیلیان آن را به چهار درجه‌ی «سمع»، «مناولت»، «اجازت»، «صحیفه» تقسیم کنند و آخرین آن‌ها عالی‌ترین آن‌ها محسوب است (فهرست مجدوع، ص 288). اجازت‌های روایتی از طرف استاد به شاگرد اجازت می‌دهد که فلان مطلب را می‌توان به دیگران بیاموزد، یا فلان کتاب یا کتاب‌ها را برای دیگران بیان یا روایت کند (ذریعه، ج 1، ص 131). از این رو برخی اجازه‌های معتبر، لیستی از کتاب‌ها را در بر دارد که تعلیم و روایت کردن آن‌ها را برای شاگرد مجاز شناخته است و گاهی در این لیست خصوصیتی از کتاب‌شناسی آن‌ها نیز آمده است.

گاهی شاگرد کاتالوگی از تألیفات استاد و یا کتاب‌های گوناگون را فراهم می‌نمود، از استاد درباره‌ی آن‌ها اجازت می‌خواست و استاد تألیفات خود را مستقیماً و تألیفات دیگران را از راه روایتی که بدان کتاب می‌داشت، برای آن شاگرد اجازت صادر می‌نمود.

کهن‌ترین نمونه‌ی اسلامی موجود این فهرستواره‌ها، شاید آن باشد که در اجازه‌ی ابوغالب زراری (280-368ق) دیده می‌شود که در تاریخ 356ق صادر کرده و از اجازه و مشیخه‌های پیش از خود نیز نقل دارد (ذریعه، ج 1، ص 143؛ ج 2، ص 465).

5 - نمونه‌ی دیگر از اجازه‌های فهرستواره‌دار: [از جمله] اجازه‌های زیر است: اجازه‌ی که سید مرتضی بر پشت فهرستی نگاشت که شاگردش محمد بصری از تألیفات استاد فراهم کرده بود (بند 34)؛ و اجازه‌ی ابن جنی عثمان (330-392ق) که یاقوت آن را در معجم‌الادبای (ج 12، صص 109-111) آورده است (بند 18) و نیز اجازتی که علامه‌ی حلی (648-726ق) برای بنی زهره نگاشت و در بحارالانوار (چ نویین، ج 104، 60-137) چاپ شده است (بند 45).

من در این جا نخست از فهرست‌های شناخته شده‌ای گفتگو می‌کنم که نام و محتویات آن‌ها تنها در کتب دیگر به ما رسیده است و سپس از فهرست‌هایی که متن آن‌ها در دست است یاد خواهیم کرد.

الف. کهن‌ترین فهرست‌ها که شناخته شده است

6- فهرست کتابخانه‌ی مأمون: اگر قدمت فهرست‌نگاری به اندازه‌ی قدمت تألیف و تصنیف نباشد دست کم شکل‌های ساده‌ی آن چندان عقب‌تر نمی‌باشد. شاید بتوان کهن‌ترین مورد استعمال کلمه‌ی فهرست را در گفتگوی میان حسن بن سهل سرخسی (146-236ق) برادر فضل ذوالریاستین و مأمون عباسی (170-218ق) دانست، که سر آغاز جاویدان‌خرد تألیف مشکویه (421ق) دیده می‌شود. جاحظ (255ق) از حسن سهل نقل کند که: «روزی مأمون از من پرسید: کدام یک از کتاب‌های ایرانیان با ارزش‌تر است؟» گفتم: جاویدان‌خرد. او دستور داد فهرست کتابخانه‌اش را آورند، و چون جستجو کرد نام جاویدان خرد را نیافت. پس معترضانه پرسید چرا نام چنین کتابی

ارزشمند در آن نسبت؟ «گفتم نسخه از آن «ذوبان» (دانشمند زردشتی) است و من اندکی از آن را برای خود رونویس کرده‌ام» (جاویدان خرد، عربی چ بدوی، ص 21؛ ترجمه‌ی فارسی قزوینی، چ دانش پژوه، ص 21). از پاسخ حسن به مأمون چنین برمی‌آید که گویا این فهرست تنها برای نسخه‌های موجود در کتابخانه‌ی مأمون یا «دارالحکمه» ساخته شده بود.

7- فهرست کتابخانه‌ی غزنه: در داستان کشف «سفر جیشر» از اسفار عهد عتیق که الکویین کشیش دربار شارلمان (742-814 م) ادعا نمود که نسخه‌ی آن را در کتابخانه‌ی غزنه یافته است، نیز از فهرست منظم آن کتابخانه در سده‌ی سوم هجری گفتگوها رفته است (مقدمه‌ی چاپ انگلیسی جیشر، سال 1934م، موسسه‌ی سن جوز کالیفرنیا، ترجمه‌ی عبدالحی حبیبی، مجلد راهنمای کتاب، بهمن سال 1341خ، ص 99).

8- فهرست‌هایی که ندیم یاد می‌کند: ندیم در فهرست خود که به سال 377ق نگاشت، از تأسیس «دارالحکمه» گفتگو دارد. که در عهد هارون (170-193 ق) با همکاری فضل بن نوبخت منجم (ندیم، ترجمه‌ی تجدد، ص 333) و علان شعوبی نگارنده‌ی پنجاه کتاب (همان، ص 118) بنیان نهاده شده بود. او گوید: «مأمون (198-218 ق)، سهل بن هارون هیونی دشت میثانی م 215 ق را خازن آن کتابخانه و سعید بن هریم (ندیم، ترجمه‌ی تجدد، ص 134-139) را دستیار او نهاد و گرچه او از فهرست یاد شده در جاویدان خرد نام نمی‌برد، ولی از فهرست‌هایی که برای نگاشته‌های دانشمند یا دانشمندانی ساخته شده است بسیار نقل می‌کند؛ مانند آن چه جابر برای تألیفات خود ساخته و در پایان آن گفته است، جز این‌ها نیز، سی کتاب بی‌نام نگاشته‌ام (ندیم، ترجمه‌ی تجدد، ص 422).

فهرست‌هایی که دیگران یاد می‌کنند: نجاشی (372-450 ق) و طوسی (385-460 ق) نیز از چند دانشمند یاد می‌کنند که فهرست تألیفات خود را فراهم کرده و یا کسی فهرست نگارش‌های ایشان را نوشته است.

9- ابن بطوطه: محمد بن جعفر قمی که از احمد برقی (م 280 ق) روایت می‌کند، فهرستی داشته که نجاشی (372-450 ق) در احوال ابن بطوطه و احوال ابن قبه از آن نقل می‌کند (قهپایی، ج 5، صص 174، 254؛ ذریعه ج 16، ص 374).

10- اشعری قمی: سعد بن عبدالله (م 300 ق) طوسی و شهر آشوب هر یک در فهرست خود درباره‌ی او گوید: «وی فهرستی برای کتاب‌هایی که روایت کرده است ساخته بود.»

11- عبدان اسماعیلی: فهرستی برای تألیفات خود تألیف کرده و ندیم اندکی از آن نقل کرده است (ندیم، «مقاله 5»، «فن 5»، چ تجدد، ص 240). نسخه‌ای از فهرست عبدان در دست خواجه‌نصیر (م 672 ق) بوده است (سزگین، ج 7، صص 123، 137).

12- کشی: محمد بن عمر (م 328 ق) فهرستی داشت که در کتاب *اختیارالرجال* از آن نقل کرده است (قهپایی، ج 1، ص 114، سطر 3).

13- مسعودی: علی بن حسین (م 346 ق) کشی یک فهرست بدو نسبت داده است (قهپایی، ج 4، ص 186).

14- عیاشی: محمد بن مسعود سمرقندی از فقیهان شیعه. ندیم گوید: «جنید بن محمد در پایان یک کتاب خود صورتی از تألیفات عیاشی را نگاشته و من از آن نقل می‌آورم» (ندیم، مقاله 5، فن 5، چ تجدد، ص 244).

15- ابن قولویه: جعفر قمی (م 367 ق) فهرستی برای کتاب‌ها و اصل‌ها که خودش روایت کرده ترتیب داده بود است و طوسی در احوالش از آن یاد کرده است (قهپایی، ج 2، ص 41).

16- ابن جنید اسکافی: محمد بن احمد (م 381 ق) فهرست تألیفات خویش را نگاشته بوده که طوسی در احوالش در فهرست یاد نموده گوید: « او فهرست تصنیف‌های خود را مبوب [گشوده] و گسترده نگاشته است» و من آن را به درازایش نمی‌آورم. ولی نجاشی در احوالش پیرامون 150 عنوان برای کتاب‌هایش را از فهرست کتبش نقل کرده است (قهپایی، ج 5، صص 127-131).

17- ابن بابویه: صدوق محمد بن علی (م 381 ق) فهرستی از کتب علما تألیف کرده که در پیشگفتار کتاب دیگر خود من لایحضره الفقیه بدان حواله می‌دهد. طوسی نیز در فهرست خود در ترجمه‌ی احوال زید نرسی از فهرست ابن بابویه محمد بن علی نقل می‌کند. و در احوال خودش گوید « فهرست کتب او معرف است.»

18- ابن جنی: عثمان (330-392 ق) فهرست آثار خود را در اجازتی، که به حسین بن احمد بن نصر به تاریخ 384 ق داد، آورده است (دریعه، ج 16، ص 379؛ یاقوت، معجم‌الادباء، ج 12، صص 109-111).

19- فهرست ده جلدی کتابخانه‌ی ری: یاقوت گوید: « هنگامی که سامانیان از صاحب عباد خواستند که از وزیری آل‌بویه ببرد و وزارت ایشان را بپذیرد، گفت: « چگونه می‌توانم به خراسان آیم که کتابخانه‌ی من به اندازه‌ی چهارصد بار شتر کتاب دارد؟»

ابوالحسن بیهقی گوید: « کتابخانه‌ی کنونی ری درستی این سخن را می‌رساند که من آن کتابخانه را پس از سوزانده شدن به دست محمود غزنوی دیده‌ام که فهرست آن کتاب‌ها ده مجلد می‌بود» (معجم‌الادباء، ج 2، صص 315-259).

20- کتابخانه عضد الدوله: مقدسی به سال 378 ق در اثر خود از کتابخانه‌ی عضد الدوله (فرمانروای شیراز در سال‌های 338-364 ق) یاد می‌کند که کتابداران داشت و کتاب‌هایش در قفسه‌ها به ترتیب موضوع مرتب شده بود و نام آن‌ها در فهرست‌هایی ثبت شده بود. (احسن‌التقاسیم، ترجمه‌ی منزوی، صص 668-669).

21- کتابخانه‌ی نوح بن منصور سامانی: ابن‌سینا (م 428 ق) درباره‌ی این کتابخانه گوید: « خانه‌های بسیار داشت و در هر خانه صندوقی چند از کتاب‌های دانشی ویژه. پس به فهرست کتاب‌های اوایل نگریستم و کتاب‌هایی یافتم که نام آن‌ها به مردم نرسیده بود. (پورسینا - جوزجانی، نفیسی، ص 65).

22- ابن عبدون: احمد بن عبد الواحدی (م 423 ق) فهرستی داشت که طوسی در فهرست خود لیست تألیفات کسی را از آن نقل می‌کند (قهپایی، ج 1، ص 66).

23- ابن غضایری: احمد که پدرش حسین در 411 ق. درگذشت. دو فهرست و یک رجال داشت که تنها این سومین برجا مانده است. طوسی در آغاز فهرست خود گوید: « احمدغضایری دو فهرست فراهم کرد: یکی برای مصنفات شیعه؛ دوم برای اصول ایشان و من (طوسی) هر دو را با هم در این فهرست گرد آوردم [برای فرق میان « اصل » روایت شده و « تصنیف » تألیف شده، ن ک: قهپایی، ج 1، ص 9؛ کشف‌الظنون در عنوان فقه (چ یالتقایا، ص 1282)؛ الاصل فی الفرع تألیف شیبانی (م 180 ق)؛ ذریعه، ج 24، صص 316-318؛ احسن‌التقاسیم، ترجمه‌ی منزوی، پانوش ص 346]. نسخه‌ی این دو فهرست کتاب‌شناسی غضایری به دست نیست. سومین اثر او به نام کتاب الضعفاء در سده‌ی هفتم به دست احمد بن طاوس (م 673 ق) بود که آن را در سال 644 ق به طور پراکنده در کتاب خود حل‌الاشکال گنجانید. ابن طاوس در این کتاب پنج اصل رجالی شیعه (رجال و فهرست، طوسی، اختیارکشی، نجاشی؛ الضعفاء، غضایری) را به ترتیب حروف پخش کرد. در سده‌ی یازدهم ملا عبدالله شوشتری (م 1021 ق) با بیرون نویسی نگاشته‌های غضایری که در حل‌الاشکال پراکنده است متن نوینی برای الضعفاء غضایری

فراهم نمود سپس عنایه الله قهپایی به سال 1016 ق باز هم کسان شناسانده شده در پنج کتاب یاد شده را برای بار دوم پشت سر هم در یک مجموعه پخش کرد و آن را مجمع الرجال نام داد.

24- مفید: محمد بن محمد بن النعمان (336-413 ق) فهرستی برای کتب خود ساخته بود که طوسی از آن نقل کند (قهپایی، ج 6، ص 34، سطر 5). [بهترین فهرست آثار شیخ مفید را به تازگی مک درموت Martin. G. McDermott ایران‌شناس کانادایی فراهم کرد، که احمد آرام آن را به فارسی گردانید و به نام اندیشه‌های کلامی شیخ مفید به سال 1363 خ در 588 ص چاپ شده و شماره عنوان‌های آن آثار را به 172 رسانیده است.]

کهن‌ترین فهرست‌های موجود

25- فهرست جالینوس و ترجمه‌های آن: جالینوس پزشک پرگاموسی (130-200 م) فهرستی برای نگاشته‌های خود ساخته [در یونانی] که به «پیناکس» و در عربی به صورت «فینکس» شناخته می‌شود. فهرست جالینوس در دو بخش بوده است: (1) آثار پزشکی او؛ (2) نگارش‌های منطقی، فلسفی و دستوری. وی سن خود را هنگام نگارش هر یک و انگیزه‌ی خود را در نگارش، در این فهرست بیان می‌کند. فهرست جالینوس که یکصد و بیست و نه اثر او در آن معرفی شده است، به دست ایوب رهاوی سریانی معروف به ابرش بغدادی از یونانی به زبان سریانی ترجمه شد (مقدمه‌ی حنین بر ترجمه‌ی عربی این فهرست) و حنین بن اسحاق آن را از سریانی به عربی ترجمه و گزارش نمود.

26- فهرست حنین برای کتاب‌های جالینوس و دنباله‌ی رازی بر آن: ابو زید حنین پسر اسحاق عبادی از سریانیان عرب شده‌ی حیره (194-260 ق/810-873 م) پزشک عالی‌مقام، از مترجمان زبردست سده‌ی سوم است که در زبان‌های یونانی و سریانی و فارسی و عربی چیره بود. زادگاه او «حیره» در 18 کیلومتری نجف کنونی که کمتر از سده پیش از تولد او مرکز امیران عرب وابسته به دولت ساسانی بود و در گوشه‌ی باختری مثلثی است که گوشه‌ی خاوری آن جندی شاپور و گوشه‌ی شمالی آن «سورا» دو مرکز علمی جهان آن روز بوده است. او عربی را در فارسی آموخت، به بغداد به خدمت مأمون رسید، به رهبری دارالترجمه گمارده شد و افزون بر ترجمه‌های خود، ترجمه‌ی دانشمندان دیگر را نیز ویرایش می‌کرد. زندگینامه‌ی او را ابن خلکان (ج 1، ص 455)؛ ندیم (ترجمه‌ی تجدد، ص 352) طبقات الاطباء (ج 1، ص 184؛ قفطی در تاریخ الحکما، ص 171)، ابن ابی اصیبعه در عیون الابناء و ابن -جلجل در طبقات الحکما آورده‌اند، و گابریلی زندگینامه و نگارش‌های او را در مقاله‌ای در مجله ایزیس، 6 ش، صص 282-296 به سال 1924 م، ماکس مایرهوف نیز زندگینامه‌ی او را در پیشگفتار محققانه کتاب عشر مقالات فی العین تألیف حنین، چ، قاهره، 1928 م به دو زبان انگلیسی و عربی آورده است که از آثار مهم حنین نام‌های است که به سال 242 ق برای علی بن یحیی پسر ابو منصور (م 257 ق) که از درباریان متوکل عباسی (232-247 ق) بود نگارشته است و آثار جالینوس را که به زبان سریانی و عربی ترجمه شده بود، شناسانده است. و این گویا از کهن‌ترین فهرست‌ها در تاریخ اسلام باشد. حنین در ترجمه‌ی عربی این فهرست همه‌ی آثار جالینوس را با ذکر مترجم هر یک و برانگیزنده‌ی او یاد می‌کند. یگانه نسخه از این رساله‌ی عربی حنین در کتابخانه‌ی ایاصوفیه ش، 3631 است و برگشتراسر، خاورشناس آلمانی آن را به آلمانی ترجمه و همراه متن عربی در سال 1925 م در لایپزیگ چاپ کرد و ماکس مایرهوف به سال 1926 م مقالاتی به انگلیسی در نقد آن در مجله‌ی ایزیس، ش 8، صص 685-724 پخش کرد. سپس دکتر مهدی محقق آن رساله را به فارسی ترجمه نمود و در بیست گفتار صص 368-416 چاپ کرد.

27- فهرست رازی برای آثار حنین: رازی محمد زکریا نیز دنباله‌ای برای فهرست حنین دارد (ندیم، ترجمه‌ی تجدد، ص 358، سطر 4). بیرونی در فهرست خود این دنباله‌ی رازی را کتابی جداگانه برشمرده و آن را در بخش

فنون گوناگون با شماره‌ی 175 نهاده است ولی ابن ابی اصیبعه آن را بخش دوازدهم از کتاب *الجامع* (یا حاوی) رازی برشمرده گوید: «القسم الثانی عشر فیها استدر که ...» [بخش دوازدهم آن چه رازی بر شماره کتاب‌های جالینوس افزود] که حنین یاد نکرده بود و در اصل فهرست خود جالینوس نیز نیامده است.»

28- فهرست‌های محمد زکریای رازی: به رازی دو فهرست نسبت داده شده است: الف) دنباله‌ای که رازی برای فهرست حنین از آثار جالینوس نگاشته که در بالا یاد شد؛ ب) علاوه بر این رازی برای کتاب‌های خود نیز فهرستی نگاشته که ندیم و فقطی از آن نقل می‌کنند. فهرست آثار رازی که به دست ما رسیده از ندیم است که نیم قرن پس از رازی در فهرست (ندیم، ترجمه‌ی تجدد، صص 59-356، 423) به نقل از فهرست *رازی* آورده است. چنان که خواهیم دید فهرست آثار رازی را پس از خودش و ندیم، برای سومین بار، بیرونی گرد آورده است. شمار آثار رازی در فهرست ندیم 171 و در فهرست بیرونی 184 است (ن ک: فهرست‌های بیرونی، بند 31).

29- ندیم: ابو الفرج محمد بن اسحاق معروف به ابن‌ندیم در گذشته‌ی 20 شعبان 385 ق. او فهرست خود را در 377 ق نگاشته است (ترجمه‌ی تجدد، صص 41، 96، 146). چلیپی به این کتاب در *کشف‌الظنون* چاپ قدیم «فوز العلوم» نام داده و از آن جا به ذریعه (ج 16، ص 372) رسیده است ولی در چاپ اخیر *کشف‌الظنون* این نام به فهرست *العلوم* تبدیل شده است و شاید این بهتر باشد. فهرست ندیم بزرگ‌ترین فهرست از علمی است که از ملت‌های پیش از اسلام به مسلمانان رسیده و هم چنین دانش‌های اسلامی آن روزگاران است: این کتاب در ده مقاله است. مقاله اول، دوران کهن سه فن است: 1) زبان‌های ملل گذشته و خطشان؛ 2) کتاب‌های آسمانی گذشته. 3) قرآن. مقاله دوم، نحویان نیز در سه فن است: 1) آغاز نحویان بصره و کتبشان؛ 2) نحویان کوفه و کتب ایشان؛ 3) **التقاطیان** از ایشان و کتب آنان.

مقاله سوم، اخبار، سیر، نسب‌نامه نیز در سه فن است: 1) اخباریان (مورخان) و کتب ایشان؛ 2) شاهان دبیران و عمال خراج؛ 3) ندیمان، ادیبان، خوانندگان، نوازندگان، کتب ایشان. مقاله چهارم، در شعر که دو فن است: 1) دوره‌ی جاهلیت 2) اسلام. مقاله پنجم، علم کلام در پنج فن است: 1) معتزله، مرجئه، و کتب ایشان؛ 2) شیعه نرم و تند و کتبشان؛ 3) جریان سنی؛ 4) خارجیان و کتبشان؛ 5) صوفیان، زهاد و کتبشان. مقاله ششم، فقیهان هشت فن دارد: 1) مالکیان؛ 2) حنفیان؛ 3) شافعیان؛ 4) داودیان؛ 5) شیعیان؛ 6) محدثان؛ 7) طبریان؛ 8) خارجیان. مقاله هفتم، علم و فلسفه سه فن دارد: 1) تاریخ فیلسوفان طبیعی و منطقی؛ 2) مهندسان و ریاضی‌دانان؛ 3) پزشکان.

مقاله هشتم، خرافات و سحریات و تردستی‌ها (شعبده) نیز سه فن دارد: 1) تاریخ قصه‌گویان؛ 2) تاریخ تردستان 3) کتاب‌های بی‌نام که در آن نگاشته شده است. مقاله نهم، ادیان و مذاهب دو فن دارد: 1) صابئیان، مانویان دیسانیه و مرقیونی؛ 2) مذاهب خاوری، هندی، و چینی.

مقاله دهم، کیمیاگران کهن و تازه .

فهرست ندیم یا *فهرست العلوم* یا *فوز العلوم*، این کتاب پس از آمدن مغول و انحطاط علوم به فراموش سپرده شده تا در سده‌ی نوزدهم گوستاو فلوگل اتریشی (1802-1870م) آن را با چند نسخه تصحیح کرد و در لایپزیک در 1871م به چاپ رساند که از روی آن در مصر نیز چاپ شد. سپس آقای رضا تجدد با مقابله‌ی آن با نسخه‌ی

جستریتی و افزودن بخش‌هایی که در آن بود و فلوگل بدان دست نیافته بود، نسخه‌ای نسبه کامل‌تر فراهم و همان را به فارسی ترجمه و در 1343 خ چاپ کرد و سپس در 1973 م اصل عربی کامل شده را در 426 ص چاپ و پخش کرد.

ندیم در این فهرست به تاریخ علم در ملل گذشته معاصر نظر دارد و از کتاب‌ها به نام و موضوع آن‌ها بسنده دارد. ولی گاهی هم چون یک کتاب‌شناسی امروزیین خصوصیات کتاب مانند آغاز و انجام آن را نیز معین می‌کند. او آغاز 11 بخش /غانی اسحاق موصلی (چاپ تجدد، ص 159) و آغاز کتاب حیوان جاحظ را (چج تجدد، ص 215) معین کرده است.

30- فهرست‌واره‌ی زراری: که در بند 4 یاد شد و در کَشکول بحرینی چاپ شده است (ذریعه، ج 1، صص 143-144؛ ج 2، ص 465).

سده‌ی پنجم، روند تکاملی فهرست‌نگاری

فهرست‌نگاری در سده‌ی پنجم در دو خط مشخص دیده می‌شود. نخست فهرست‌های بیرونی در خاور ایران که بیشتر جنبه‌ی علمی دارند. دوم فهرست‌هایی که در باختر ایران تألیف شده که بیشتر جنبه‌ی مذهبی شیعی تصفیه شده دارند.

31- فهرست‌های بیرونی: از ابوریحان بیرونی (362-440 ق) یک فهرست دو بخشی در دست است: (الف) فهرست آثار رازی که در بالا ذکرش گذشت؛ ب) فهرست آثار خود بیرونی. او فهرست آثار رازی را به سال 427 ق که 63 سال خورشیدی و 65 قمری از سن او گذشته بود نگاشت و در آغاز آن به کسی که نامش را نیاورده و خواهان شناسایی آثار محمد زاری شده بود می‌گوید: «من تا آن جا که بتوانم آن چه را که از نگاشته‌های او دیده‌ام و یا به راهنمایی خود وی در کتاب‌هایش به نام آن‌ها پی‌برده‌ام، در این جا یاد می‌کنم.» بیرونی که در دربار ترکان متعصب غزنوی می‌زیست، در پیشگفتار کتاب، بیم خود را از گردآوری فهرست آثار رازی که مبادا بوی هم‌فکری و گرایش علمی با او داشته باشد آشکار کرده گوید: «من به احترام در خواست تو (نام در خواست کننده را نیز از ترس پنهان داشته است) این کار را انجام دادم.» نسخه‌ی این کتاب به شماره‌ی 133 در کتابخانه‌ی لیدن هست. زاخائو بخشی E. Sichuan از آن را مشتمل بر آثار بیرونی بود، در پیشگفتار کتاب آثار الباقیه (صص 38-48 بیرونی در لایپزیک 1878 م چاپ کرد). سپس ویده من E. Weidman به سال 1920 م بخش آثار بیرونی را و روسکا رازی را به آلمانی ترجمه و نشر کردند. سپس همه‌ی رساله با ویرایش و گزارش و پانوشته‌های پل کرواس P. Kraus در پاریس به سال 1936 م. در 51 به عنوان رساله للبیرونی فی فهرست کتب الرازی چاپ شد:

Epite de Beruni. Contenant des ouvrage de Mohammad B. Zakariya Ar- razi

بیرونی در بخش یکم این فهرست یک صد و هشتاد و چهار عنوان به رازی نسبت داده است. گویند این شماره در فهرست ندیم 167 تا است. ولی من در چاپ تجدد (صص 356-359، 423) آن را 171 عنوان برشمرد. به هر حال از بیرونی ابن ابی اصیبعه (احمد، 596-668 ق) در عیون الانباء این شماره را به 238 رسانیده است.

در سده‌ی هفتم ابواسحاق ابراهیم بن محمد تبریزی معروف به غضنفر از دانشمندان بیرونی‌شناس که صیدنه‌ی بیرونی را در 678 ق رونویسی کرده است، پیوستی برای این فهرست بیرونی ساخت به نام المشاطه لرساله الفهرست نسخه‌ای از این رساله همراه با رساله‌ی بیرونی در مجموعه‌ی ش 133 کتابخانه‌ی لیدن هلند موجود است (محقق، بیست - گفتار، تهران، 1363، صص 121-125).

دکتر محمود نجم آبادی نیز فهرستی از آثار رازی با سنجش میان چهار فهرست ندیم، بیرونی، قفطی و ابن ابی اصیبعه و تعیین جای نسخه‌های هر یک فراهم کرد و شماره‌ی آن‌ها را به 271 عنوان رسانید و آن را به نام *مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد زکریای رازی* در 1339 خ در 444 ص چاپ کرد. این کتاب به سال 1318 خ نیز به شکلی کوچکتر چاپ شده است. بوالو D. G. Boilot بخش دوم یعنی آثار بیرونی از این فهرست که 138 عنوان در بر دارد جدا ساخته با افزودن 42 عنوان از منابع دیگر، آن‌ها را به 180 رسانید، آگاهی‌های کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی هریک را نیز از فهرست‌های گوناگون بر آن افزود و آن را در مجله بنیاد دومینیک، قاهره، دارالمعارف مصر، ج 2 به سال 1955 م (صص 161-256) پخش کرد. آقای پرویز اذکایی نیز همان بخش آثار بیرونی را از روی چاپ زاخائو با تحقیقات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی بوالو، به فارسی گردانید و به سال 1352 خ، به یاد هزاره‌ی بیرونی در 104 ص چاپ و پخش کرد. سپس احمد سعیدخان هندی کتاب‌شناسی ابوریحان بیرونی را به انگلیسی در 1971 م به صورت گسترده‌تر چاپ کرد و عبدالحی حبیبی به سال 1352 خ آن را به فارسی گردانید و به مناسبت هزاره‌ی ابوریحان از طرف شورای عالی فرهنگ و هنر در تهران در 230 ص چاپ شد.

32- دوم: فهرست‌های مهم تصفیه شده‌ی شیعه در باختر کشور: چون مردم باختر ایران به دستگاه خلافت بغداد نزدیک‌تر می‌بودند، فعالیت‌های مغزی ایشان نیز بیش از مردم خاوران رنگ مذهبی می‌داشت. هم‌چنان که سیاستمداران شیعی معتدل، در غرب ایران (خاندان‌های نوبختی، فراتی، رفیل، ساجیان و مانند ایشان) با دولت عباسی در سرکوب غلات شیعه اسماعیلی و قرمطی می‌کوشیدند، مراجع شیعی معتدل چون شیخ مفید (م 413 ق) مرتضی (م 436 ق) کراجکی (م 449 ق) طوسی (م 460 ق) در فهرست‌ها و کتاب‌شناسی مذهبی خود نیز به اخراج غلات از دایره‌ی تشیع پرداختند. غضایری (م پس از 411 ق) با نگارش کتاب الضعفاء بسیاری از مؤلفان غلات را غیر قابل اعتماد اعلام نمود. طوسی (م 460 ق) نیز کتاب رجال کشی (م 328 ق) را پاک‌سازی کرده بسیار از ایشان را بیرون ریخت. اینک فهرست‌های مذهبی این قرن: الف) فهرست‌های شخصی؛ ب) فهرست‌های همگانی.

الف. فهرست‌های شخصی

33- مفید: محمد بن نعمان (م 413 ق) فهرست او در بخش فهرست‌هایی که متن آن‌ها به دست نیست یاد کرده شد (بند 24).

34- مرتضی علم‌الهدی: علی بن حسین (355-436 ق)، نقیب طالبیان عراق در دوران آل‌بویه که موجب سیاست هاشمی از حکومت عباسیان در برابر شیعیان تندرو اسماعیلی دفاع می‌کردند. طوسی در فهرست خود تألیفات مرتضی را از فهرست مؤلفات وی نقل می‌کند. صاحب ذریعه احتمال می‌دهد که این فهرست تألیف خود مرتضی باشد یا فهرستی باشد که شاگرد او محمد بصری از کتب استاد فراهم ساخته و سید مرتضی بر پشت نسخه‌ی آن اجازتی روایتی برای وی نگاشته است. تاریخ این اجازه‌ی دارای فهرست‌واره‌ی شعبان 417 ق می‌باشد و نسخه‌ی آن در سپهسالار (6-2533) و (ف. 5: 391) مشهد (ف. 2: 66) هست و در کتاب *ادب المرتضی من سیرته و آثاره* تألیف عبدالرزاق محیی‌الدین چ مصر به سال 1957 م، صص 131، 164-167 یاد شده است.

35- کراجکی: محمد بن علی بن عثمان (449 ق) که از جانب سید مرتضی برای مبارزه با اسماعیلیان به قضاوت طرابلس شام منصوب شد، فهرستی داشته است و ابن طاوس (589-664 ق) در *دروع‌الواقیه زندگینامه‌ی جعفر بن احمد قمی* را و ابن که او 220 تألیف داشته است، از آن کتاب که نسخه‌اش را داشت نقل می‌کند (آقا بزرگ، طبقات، ج 5، ص 179؛ ذریعه، ج 16، ص 393). ولی نوری در *مستدرک الوسایل* (ج 3، ص 497) متن کتابچه‌ی فهرست

تألیفات کراچکی را که نگارش یکی از هم روزگاران کراچکی بود چاپ کرده است، و در آن نامی از فهرست کتب- کراچکی را به ابوالقاسم پسر شیخ مفید و موسی پسر کراچکی نیز نقل کرده است. ولی چون نگارنده این فهرست می- گوید: « کراچکی روضه العابدین را برای پسرش نگاشت آشکار است که نگارنده پسر کراچکی نیست و گرنه می-گفت: برای من نگاشت» (ذریعه، ج 16، ص 379).

ب. مهمترین فهرست‌های همگانی کتب شیعه

36- دو فهرست نجاشی طوسی: احمد بن علی نجاشی (372- 450 ق) و محمد بن حسن طوسی (385- 460 ق) را می‌توان مهمترین فهرست‌های کتاب‌شناسی ویژه شیعه در سده پنجم شمرد. این دو کتاب در کنار سه، رجال کشی (م 328 ق) و غضایری (م بعد 411 ق) و طوسی، پنج اصل رجالی شیعه به شمار می‌آید، که در سال 1061 ق به دست عنایت‌الله قهپایی به ترتیب نام کسان دنبال هم نهاده شد و مجمع‌الرجال نام گرفت که به تازگی به وسیله ضیاءالدین علامه فانی در اصفهان به سال 1387 ق در 7 مجلد چاپ شده است. هر یک از دو فهرست نجاشی و طوسی جداگانه نیز چنان که خواهیم دید منتشر شده است، هر چند طوسی سیزده سال جوان‌تر از نجاشی بود لیکن فهرست نجاشی پس از فهرست طوسی و برای اصلاح آن نگاشته شده و در چند جای کتاب (مثلاً در احوال صدوق و طوسی) از فهرست طوسی نقل کرده است و به همین سبب پخته‌تر و شکل گرفته‌تر از آن است. و تکیه رجال‌شناسان شیعه بر فهرست نجاشی بیش از فهرست طوسی است. نجاشی مرگ محمد بن تبان را در سال 419 ق یاد کرده است و درباره‌ی سید مرتضی (م 436 ق) گوید: من جنازه‌ی او را شستم. متن اصلی رجال نجاشی در بمبئی 1317 ق چاپ شد و سپس چند بار در ایران از نو چاپ گردید. رجال نجاشی تنها به حرف اول مرتب بوده است و چند تن از رجال‌شناسان بعد آن را از نو به تمام حروف مرتب کرده‌اند که سه ترتیب آن در ذریعه، ج 4، ص 70، یاد شده است. هر چند تکیه نجاشی و طوسی هر دو بر کتاب‌شناسی است ولی کتاب نجاشی بیشتر به رجال و کتاب طوسی به فهرست شهرت یافته است.

37- طوسی نیز مثل نجاشی در فهرست خود تنها حرف آغاز نام کسان را رعایت کرده است سپس کسانی چند از رجال‌شناسان هر یک جداگانه حرف‌های دیگر فهرست را نیز مرتب نمودند. سه ترتیب آن در ذریعه، ج 4، ص 66؛ ج 20، ص 29 یاد شده است:

- محقق حلی (602- 676 ق) بخش‌های کتاب‌شناسی را از فهرست طوسی انداخته و به رجال‌شناسی آن بسنده کرده، آن را تلخیص‌الفهرست نامیده است (ذریعه، ج 4، ص 425).

- سلیمان ماحوزی از دانشمندان شیعه بحرین (م 1121 ق) به سال 1107 ق شرحی بر فهرست طوسی آغاز کرد و معراج‌الکمال نامید، ولی موفق به انجام آن نشد (ذریعه، ج 21، ص 228).

فهرست طوسی نخستین بار به وسیله‌ی اشپرنگر A. Sprenger، التبرولی، مولوی عبدالحق، مولوی غلام قادر به سال 1271 ق/ 1853 م در کلکته چاپ شد، ویراستار مطالبی از فهرست نجاشی بر آن افزوده و کتاب را برحروف تمام کلمه مرتب کرده است و در 383 ص همراه با 4 ص مقدمه انگلیسی چاپ کرد. و از این روی جز با دقت فراوان نمی‌توان مطالب این چاپ را به طوسی نسبت داد. پس محمد صادق بحرالعلوم در نجف به سال 1937 م متن اصلی فهرست طوسی را با چند نسخه تصحیح و با پانوشته‌هایی چاپ کرد و سپس در سال 1960 م آن را با تحقیق بیشتر از نو به چاپ رساند. به سال 1351 خ به مناسبت جشن هزاره‌ی طوسی در دانشگاه مشهد، آقای محمد رامیار چاپ اشپرنگر را افست کرده با 15 ص پیشگفتار و 156 ص فهرست‌ها از نو پخش کرده است.

38- سده‌ی ششم، دو پیوست برای فهرست طوسی: در سده‌ی ششم دو تن از دانشمندان دنبال کار طوسی (385-460 ق) را گرفته فهرست‌هایی برای کتب شیعه و دانشمندان آن نگاشتند:

الف) ابن بابویه (504 - پس از 600 ق)، منتجب الدین ابوالحسن علی بن عبیدالله بن حسن بن حسین بن بابویه قمی رازی. زایش او را شاگردش رافعی در *التدوین فی تاریخ قزوین* یاد کرده است، و تاریخ مرگ او نامشخص است. ولی ابن فوطی، م 723 ق در *تلخیص مجمع الاداب* (ج 5، ص 775)، از اجازتی یاد می‌کند که منتجب، بن بابویه در 600 ق صادر کرده است. او راست:

اسماء مشایخ الشیعه و مصنفیهم. این عنوان موضوعی است که نگارنده در دیباچه‌ی کتاب بدان داده است، و در کتاب دیگرش *اربعین حدیث* (دریعه، ج 1، ص 433) که پس از این نگاشته، واژه‌ی «فهرست» را نیز بر آن افزوده است. ولی در صفحه‌ی عنوان چاپ طباطبایی به نام *فهرست علماء* (به جای *مشایخ الشیعه* و *مصنفیهم* نامیده شده است.

نگارنده در دیباچه گوید: «آن را به تشویق صدر نقیب عزالدین ابوالقاسم یحیی پسر ابوالفضل محمد پسر صدر ابوالقاسم علی به نگارش این کتاب پرداخت. زیرا که در یک نشست، گفتگو از این می‌رفت که پس از شیخ طوسی کسی به گردآوری فهرست کتب شیعه و دانشمندان آن پرداخته است، پس من این کتاب را به پیروی از طوسی به ترتیب حروف (تنها در آغاز کلمه) بسیجیدم آماده کردم. و چون عزالدین یحیی در سال 592 ق به دست تکش خوارزمشاه متعصب کشته شده است (*تجارب السلف*، ص 333)، پس آغاز نگارش کتاب پیش از آن تاریخ خواهد بود. عباس اقبال در پیشگفتار خود بر چاپ کتاب *معالم العلماء* ابن شهر آشوب می‌گوید: «چون منتجب بن بابویه در این فهرست برای قطب‌الدین راوندی م 573 ق با واژه‌ی «رحمه الله» دعا کرده است، پس کتاب را پس از آن تاریخ نگاشته است. ولی باید گفت این واژه که در نسخه‌ی اقبال بوده در چاپ‌های فهرست دیده نمی‌شود و نیز می‌تواند افزایش نویسندگان نسخه‌ها باشد، چنان که در باره‌ی محمود حمصی (م 600 ق) نیز همین واژه را آورده‌اند. شمار کسان شناخته شده در این کتاب در چاپ طباطبایی، که شماره‌گذاری شده است، 544 تن است. نگارنده برای هر یک از ایشان به یکی از دو سطر زندگینامه بسنده کرده، فهرستی از نگاشته‌های ایشان می‌آورد. و مانند طوسی بسیار کسانی را نیز یاد می‌کند و کتابی به ایشان منسوب نمی‌دارد. چاپ سنگی (سال 1303-1314 ق / 1885-1897 م) در ج 25 جا گرفت و در چاپ حروفی نوین (سال‌های 1376 تا 1392 ق / 1957-1973 م؛ افست بیروت از روی آن در سال 1983 م) در ج 102 صص 200 - 298 چاپ شده است. سپس جداگانه با تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی و پانوشته‌های او به سال 1404 ق / 1986 م در بیروت پخش شده است. شماره کسانی که در چاپ شناخته شده‌اند چنان که گفته‌اند 544 تن و طباطبایی 9 تن دیگر را که دیگران از منتجب بن بابویه نقل کرده‌اند بر آن افزوده و به 553 رسانیده است.

چون این فهرست در حرف دوم نامرتب است، حاج آقا حسین بروجرودی مرجع معاصر آن را به تمام حروف مرتب ساخته که نسخه‌ی آن را صاحب ذریعه دیده است (ذریعه، ج 26، ص 188).

39ب: ابن شهر آشوب (م 588 ق) ابو جعفر رشیدالدین محمد بن علی، از مردم ساری مازندران بود. و در فشار قشربان متعصب سلجوقی و خوارزمشاهی، هنگامی که دو استاد او عبدالرزاق رییس شیعه‌ی نیشابوری و محمد بن حسن را کشتند، از میهن خود بگریخت و در حلب به اندرزگویی و تدریس پرداخت، تا در 22 شعبان سال یاد شده در گذشت، و در کوه جوشن به خاک سپرده شد. آن جا گورستان شیعیان و گریختگان از فشار ترکان سنی ایران بود، و بنای یاد بود *رأس الحسین و محسن القسط* نیز در آن جا است. او راست:

متشابه القرآن و مناقب آل ابیطالب که در (ذریعه، ج 19، ص 62؛ ج 22، ص 318) نسخه‌های خطی و چاپ‌های آن دو نشان داده شده است.

معالم العلماء، سومین و مهمترین کار ابن شهر آشوب این کتاب است که در دیباچه‌اش آن را پیوستی برای فهرست طوسی شمرده گوید: « نام پیرامون ششصد مصنف (تألیف) را بر آن افزوده‌ام. در این جا از شمار کسانی که بر فهرست طوسی افزوده یاد نمی‌کند. شمار کسان در معالم العلماء چاپ اقبال 990 است، و شمار کسان در « فهرست » طوسی در چاپ‌های گوناگون از 883 تا 909 تن می‌باشد.

جدایی این کتاب با فهرست منتجب بن بابویه (ن ک: بند 38 الف) در آن است که بابویه تنها کسانی را یاد می‌کند که طوسی نیاورده بود. ولی شهر آشوب ایشان را نیز به گونه‌ی کوتاه شده در فهرست خود آورده است. و در پایان بخش ویژه‌ی سراینده‌گان را نهاده است. شهر آشوب بر خلاف بابویه و طوسی کمتر از کسانی نام می‌برد که کتابی به ایشان نسبت ندهد.

شهر آشوب در دیباچه‌ی این کتاب از شیخ مفید (336-413 هـ ق) نقل می‌کند که شیعیان در دو قرن و نیم آغازین اسلام چهارصد « اصل » فراهم کرده‌اند. تا این جا وی نخستین کس است که از این چهارصد « اصل » که منابع فرهنگ شیعه را تشکیل می‌دهد، یاد کرده است. برای فرق اصل با تصنیف بند 23 دیده شود.

چاپ: معالم العلماء با تصحیح و پیشگفتار عباس اقبال، تهران، 1353 هـ ق (1934 م) 143 ص؛ بار دوم، تصحیح سید محمدصادق بحر العلوم، نجف، 1380 هـ ق / 1961 م، 159 ص، چاپ شده است.

سده‌ی هفتم و چند فهرست خصوصی

از سده‌ی هفتم چند فهرست کوچک به ما رسیده است:

40- ابن عربی، محیی‌الدین (560-638 هـ ق) فهرستی برای نگاشته‌های خود فراهم ساخته است که 248 عنوان را در آن یاد کرده است. گرگیس عواد نگاشته‌های ابن عربی را که در آن فهرست نیامده بر آن بیفزود و شمار آن‌ها را به 279 رسانید. این گفتار گرگیس عواد در مجله‌ی المجمع العربی بدمشق، ش 3 و 4، ج 29، سال 1953 م؛ ج 30، سال 1955 م چاپ شده است.

41- سبط ابن جوزی، یوسف ترکمن (572-654 هـ ق) در مرآة الزمان، چاپ دکن، ج 8، ص 489؛ چاپ شیکاگو، ج 8، صص 316-312، فهرست کتاب‌های ابن جوزی، عبدالرحمان (510-597) را آورده آن را به 250 رسانیده است. این فهرست را گرگیس عواد در مجله‌ی المجمع العربی دمشق سال 29 و 30 چاپ کرده است.

42- ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی (589-664 هـ ق) نسب خود را به امام حسن مجتبی پسر علی (ع) می‌رساند. ولی در خاندان کردان عرب شده‌ی ورامی نخعی الولاء حله پرورش یافته. شیخ طوسی (385-460 هـ ق) را نیز نیای مادری می‌شمرد. او که چند مجلد در باره‌ی دعا‌های گوناگون نگاشته، کتاب‌هایی نیز در تاریخ به ویژه علم نجوم به نام فرج‌المهموم فی تاریخ علماء النجوم دارد (چاپ نجف، 1368 هـ ق / 8-1949 م)، و در کتاب‌های دیگر خود به کتاب‌شناسی و تاریخ عقاید نیز می‌پردازد. او فهرستی برای کتابخانه‌ی شخصی خود نگاشته و الابانه فی معرفه اسماء کتب الخزانة نامیده است (ذریعه، ج 1، ص 56). و نیز او راست:

سعد السعود: ابن طاووس در پیشگفتار آن گوید: « چون در الابانه فی معرفه اسماء کتب الخزانة تنها به اشارت به نام کتاب بسنده کرده بودم، در این جا گزارش بیشتر می‌دهم. این کتب در دو باب و هر یک دارای ده‌ها فصل بی‌شماره است.

باب یکم، مصحف‌ها. در یک فصل آن قرآنی را معرفی کرده که ترتیبی جز این ترتیب معروف داشته است. سپس فصلی برای نسخه‌های انجیل و زبور دارد. باب دوم، از تفسیرهای قرآن که دارد گفتگو می‌کند، تبیان طوسی، تفسیر- های علی بن ابراهیم قمی و ابن عباس، *جوامع الجامع*، کتاب محمد بن عباس بن مروان، تفسیر امام باقر (محمد بن - علی بن الحسین)، *کشاف زمخشری*، *تفسیر جبایی* (همان کتاب فارسی که از میان رفته است)، *فوائد القرآن* عبدالجبار همدانی، تفسیرهای بلخی عبدالله بن احمد، محمد بن سائب کلبی، ثعلبی، سلمی، عبدالرحمان ازدی، ابن جریح، علی بن احمد الواحیدی، نیشابوری، جعفر مروزی، عبدالعزیز جلودی، احمد المنادی، محمد بن جریر طبری، احمد ثعلبی، احمد خلال، زمانی، ابو عمر خلال، عزیزی، ابو جعفر نحاس، اخفش، نسائی، فراء، قطرب، عبدالرشید استرآبادی، علی بن عیسی جراح، زجاج، ازهری. و در پایان فهرست گوید: « این کتاب را به همان ترتیب *الایانه* مرتب کردم.» (سعدالسعود چاپ نجف، 1950 م، 298 ص). ابن طاوس فهرستی از نگاشته‌های خود را در کتابی به نام کتاب *الاجازات بکشف طرق المفازات* آورده، که بخشی از آن را مجلسی در *بحار الانوار* گنج‌ناید (چاپ آخوندی، تهران، ج 104، ص 37-45). وی بسیار از نگاشته‌های خود و دیگران را در کتاب دیگر خویش به نام، *کشف المحجّه* که به صورت وصیتنامه برای دو پسرش محمد و علی نگاشته معرفی کرده است. این کتاب در 1306 هـ ق / 1889 م در ایران چاپ سنگی شده، سپس در 1950 م با پیشگفتار پدرم شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب ذریعه، در نجف چاپ سربی شده است. ترجمه‌ی فارسی آن نیز با احوال ابن طاوس و شیخ آقا بزرگ تهرانی از دکتر اسدالله مبشری در 1368 خ در تهران چاپ شده است.

43- احمد بن طاووس (م 673 هـ ق) برادر علی بن طاووس پیشگفته در باره‌ی کتاب *حل الاشکال* او در بند 23 گفتگویی کردیم.

44- سده‌ی هشتم: در این دوره، هر چند علامه‌ی حلی و ابن داود هر یک کتابی در رجال ساخته‌اند، لیکن در باره‌ی کتاب‌شناسی جز چند فهرست کوچک و خصوصی اثری در دست نیست.

45- علامه‌ی حلی، حسن بن یوسف (648 - 726 هـ ق): الف: صاحب ذریعه، جدا از کتاب *خلاصه الاقوال فی علم الرجال* کتابی نیز به نام *فهرست المصنفین بدو نسبت داده* است. ب: یکی از اجازه‌های حلی که پیرامون هفصد بیت نوشته دارد و برای گروهی از خاندان « زهره حلی » در 15 شعبان 723 هـ ق صادر کرده است، خود یک فهرستواره از کتاب‌هایی است که روایت کردن آن‌ها را به گیرنده‌ی اجازه رخصت داده است. او درباره‌ی برخی از آن‌ها خصوصیات کتاب‌شناسی نیز آورده است، چنان که برای کتاب *الولایه ابن عقده*، آغاز آن را نیز یاد می‌کند. این « اجازه » را مجلسی در بخش اجازه‌های *بحار الانوار* گنج‌نیده، و در چاپ آخوندی، افسر بیروت، جلد 104، صص 60-137 دیده می‌شود.

46- رکن‌الدین گرگانی، محمد بن علی، همروزگار علامه‌ی حلی پیشگفته، و شاگرد بزرگ او. شرح کننده‌ی *مبایذ الوصول* وی است. (آقا بزرگ تهرانی، *اعلام الشیعه*، ج 8، ص 194). صاحب *مقایس الاصول* می‌گوید که وی فهرستی برای نگاشته‌های خود فراهم کرده است. (ذریعه، ج 16، ص 381).

47- ابن‌قیم جوزیه دمشقی، محمد بن ابی بکر بن قیم (691-751 هـ ق). او فهرستی از نگاشته‌های ابن‌تیمیه (م 728 هـ ق) ساخته و شمار آن‌ها را به 341 کتاب رسانیده است. این کتاب در دمشق، 1953 م چاپ شده است.

48- سده‌ی نهم و دهم: با استوار شدن خلافت اسلامی به دست ترک‌های عثمانی، که پیرو مذهب نرم حنفی بودند، نرمشی مذهب « ارجایی » حنفیان، بر خشونت ضد علمی تسنن سلفی پیروز شد، نگارش تاریخ علم کتاب- شناسی از لیست محرّمات مذهبی بیرون آمد. دیگر کسی برای دست‌زدن بدین کارها نه مانند ابن‌اسحاق (م 151 هـ

ق) نفی بلد می‌گردید، و نه مانند طبری (م 31 هـ ق) متهم به رفض و خانه‌اش سنگباران می‌شد و از دفن در مقابر اسلام ممنوع می‌شد (مشکویه، ج 5، ص 84) از منافات مورخ بودن با مسلمان سنی بودن کاسته شد. از این رو در این سده‌ها چند همگانی و خصوصی در جهان تسنن پدید آمد.

49- سیوطی جلال‌الدین، عبدالرحمان بن ابی بکر (849-911 هـ ق). گمنامی فهرست نگاشته‌های او را گردآورده، شمار آن را به 504 عنوان رسانیده است این فهرست را فوگل در *دنبال کشف‌الظنون* (ج 6، صص 665-679) چاپ کرده است.

50- ابن طولون، محمد بن علی دمشقی (880-953 هـ ق). کتابی در زندگینامه‌ی خودش به نام *الفلک المشحون فی احوال ابن طولون* دارد، که به سال 1948 در دمشق چاپ شده است. صص 26-48 آن کتاب فهرست نگاشته‌های اوست به ترتیب الفبایی.

51- طاشکبری‌زاده، عصام‌الدین اسد (901-968 هـ ق)، وی *شقایق نعمانیه فی علما الدوله العثمانیه و مفتاح السعاده و مصباح السیاده* را در استانبول بنگاشت که در این دومین اثر 150 دانش را در شش بخش معرفی کرده است، و کتاب‌هایی را که در هر یک از آن‌ها نگاشته شده بود، با زندگینامه‌ی کوتاه از نگارنده‌اش در شش بخش بیاورد: (1 خط و قلم؛ 2 زبان؛ 3 منطق؛ 4 فلسفه؛ کشاورزی و پزشکی؛ 5 اخلاق و شرعیات؛ 6 عرفان و علم باطن. این کتاب در حیدرآباد دکن، 1328 هـ ق چاپ شده است. چلبی می‌گوید: «کمال‌الدین محمد (م 1032 هـ ق) پسر نگارنده، کتاب پدر را به زبان ترکی ترجمه و تکمیل کرده به 500 علم رسانیده است.

52- سده‌ی یازدهم: در این سده، در ایران عنایه الله قهپایی، به سال 1016 ق، به جمع کردن پنج اصل رجالی سده‌ی پنجم در کتابی به نام *مجمع الرجال* پرداخت که در عنوان «فهرست‌های مهم شیعه» (بند 36) در آن سده یاد شد. در کشور عثمانی نیز *کشف‌الظنون* نگاشته شد.

مصطفی پسر عبدالله معروف به حاجی خلیفه و کاتب چلبی (قسطنطنیه، 1017-1067 هـ ق). به ترکی فارسی و عربی می‌خواند و می‌نوشت. او خود را حنفی مذهب و اشراقی مشرب می‌خواند و شاید همین مذهب «ارجایی» و مشرب عرفانی بود، که او را به سوی کار بزرگ علمی نگارش *کشف‌الظنون* کشانید، و در پایان به کناره‌گیری از کار دولت خلیفه‌ی عثمانی واداشت، تا باقی عمر را در خدمت به علم بگذارند. و از شرکت خود در سپاه شکست خورده‌ی ترکان عثمانی در جنگ بر ضد ایران و محاصره‌ی نه ماهه ولی بی‌نتیجه بغداد پشیمان باشد و آن را «سفری مأیوسانه و مخذولانه» توصیف کند. ولی او در پایان کتاب، باز هم به اقتضای محیط، قشریگری نشان داده، برای احیای ذکر علوم اوائل (که نزد سنیان سلفی کفر است) از خداوند پوزش خواسته است (چاپ یالتقایا، ج 2، ستون 2056).

ولی زندگینامه‌ی خود و پدرش را که کارمند حسابداری دولت عثمانی بودند، و چگونگی تحصیلاتش را دو کتاب خود *سلم الوصول الی طبقات الفحول* (ایضاح المکنون، ج 2، ص 24) و *میزان الحق* یاد کرده است. و محمد شرف‌الدین یالتقایا در پیشگفتار چاپ *کشف‌الظنون* استانبول 1941 م آورده است. آگاهی‌های این مقاله عمداً از آن جا است.

53- *کشف‌الظنون*: از یک سو فهرست کتاب‌شناسی هم چون فهرست ندیم است ولی به ترتیب الفباء، و از سوی دیگر دانش‌ها را مانند *احصاء العلوم* فارابی و *مفاتیح خوارزمی* ولی پراکنده به ترتیب الفباء، معرفی می‌کند. پس گونه‌ای دایره‌المعارف الفبایی کتاب‌شناسی، با یادآوری بخش‌ها و سر آغاز کتاب‌ها می‌باشد که ترتیب الفبایی آن تا سده‌ی یازدهم پیشینه نداشت.

بخش‌های کتاب‌شناسی را، چنان‌که خود در *میزان الحق* می‌گوید، از بررسی کتاب‌ها در دهه‌های کتاب‌فروشان و کتابخانه‌های حلب آغازیده است. و در بخش‌بندی دانش‌ها و تعریف اصطلاح‌های علمی، او خود را مدیون ملا لطفی کشته‌ی سال 900 هـ ق در *مطالب‌الهیة* و طاشکبری‌زاده، در *مفتاح السعاده* و محمدامین شیروانی در «*فوائد*

خاقانیه» می‌شمرد. و از این رو، یالتقیا در پیشگفتار پیشگفته، فارابی را در *احصا* و خوارزمی در *مفاتیح* و سیوطی را در *النقایه* و محمدمین شیروانی را در *فوائد* پیشگامان راه حاجی خلیفه شمرده است. ولی چون این کتاب‌ها رنگ کتاب-شناسی ندارد، من از ذکر آنان در این گفتار خود داری کردم.

چلبی بیست سال از زندگانی کوتاه خود را برای پدید آوردن این دائرةالمعارف کتاب‌شناسی صرف کرد. پیرامون 15000 عنوان کتاب، 9500 نگارنده‌ی آن‌ها را بشناسید، و در پیرامون 300 دانش و هنر گوناگون سخن گفت. وی چنان که به خامه‌ی خود در پایان نسخه‌ی چرکنویس می‌نویسد، نخست کتاب را به *اجمال الفصول و الابواب فی ترتیب العلوم و اسماء الکتب* نامید، سپس آن را به *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون* برگردانید. او کتاب را تا عنوان «دروس» پاکنویس نیز کرد و درگذشت. اکنون نسخه‌ی این پاکنویس در کتابخانه‌ی «روان کوشکی» و چرکنویس همه‌ی کتاب به همان خامه‌ی نگارنده در کتابخانه‌ی «جارالله» ولی‌الدین به شماره‌ی 1619 نگهداری می‌شود.

تاریخ نگارش: چلبی در پایان حرف «ث» از کتاب گوید: «تم المجلد الاول... روزشنبه هشتم صفر اثنین و ستین و الف 1062 (چ یالتقیا، ج 1، ص 525)» و در پایان حرف «ر» گوید: «تم حرف الراء اواخر ربیع الاخر تسع و اربعین و الف 1049» (چ یالتقیا، ج 1، ص 939).

اگر تاریخ‌ها غلط چاپی نداشته باشد، باید گفت تاریخ اول در پاکنویس و تاریخ دوم در چرکنویس بوده است، که سیزده سال پیش از آن است. برای دیگر نگاشته‌های حاجی خلیفه، که مهم‌ترین آن‌ها *تقویم التواریخ* فارسی است، ن ک: استوری، ج 1، ص 128؛ برگل، ترجمه‌ی فارسی ص 618 ش 364؛ فهرست نسخه‌ها، ج 6، ص 4130.

54- کارها که بر روی «کشف الظنون» انجام گرفته است:

1) پس از مرگ چلبی، کسی به نام حسین‌عباسی نبهانی حلبی (م پس از 1095 هـ ق) عبارت‌هایی از این کتاب کاست، و عنوان کتاب‌های بسیار بر آن افزود. نسخه‌ی این تحریر در یکی جامع استانبول، ش 815 با نام *التذکار الجامع للآثار نگهداری می‌شود*.

2) محمدعزتی، وشنه‌زاده (م 1092 هـ ق) دنباله‌ای برای *کشف الظنون* نگاشت که در چرکنویس مانده است.
3) عرب‌ه چیلرشیخی، ابراهیم افندی (م 1189 هـ ق) دنباله‌ی دوم را بر آن بنگاشت.
4) حنیف‌زاده، احمد طاهری افندی (م 1217 هـ ق) دنباله‌ای دیگر ساخت، که پنج هزار عنوان دارد، و آن را «آثار نو» نامید. فلوگل این را در پایان جلد ششم *کشف الظنون* چاپ کرد.

5) عارف حکمت (م 1275 هـ ق) دنباله‌ی دیگری ساخت، که تا حرف جیم رسیده بود.

6) نامورترین دنباله‌ی آن *ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون* نگارش اسماعیل پاشا بابایی بغدادی (م 1339 هـ ق) است که سی سال در آن رنج برده تا نزدیک نوزده هزار عنوان بر متن افزود. وی کتابی به نام *هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین* در دو جلد نیز دارد که می‌خواست در آن زندگینامه‌ی همه‌ی نگارندگان مسلمان را با نام نگاشته‌هایشان گردآورد که در دو جلد چاپ شده است.

ایضاح المکنون در دو مجلد؛ یکم استانبول 622 + 6 ستون، دوم همانجا، 1947م، 832 + 2 ستون؛ چاپ شده است.

7) اسماعیل صایب‌سنجر، یکی از کتابداران و مدرسان استانبول، نیز دنباله‌ای برای آن نگاشته است (همان، پیشگفتار ص 10).

8) ترجمه‌ی فرانسوی آن از پوتیسلا کُروا Petisdlla Croix معلم زبان عربی در پاریس است (همان، پیشگفتار، صص 10-11).

9) برای تعلیقات آقا بزرگ تهرانی بر کشف الظنون بند 55 دیده شود.
55- چاپ: کشف الظنون نخستین بار 1835-1858 به وسیله فلوگل در لایپزیک با ترجمه‌ی لاتین آن چاپ شد. وی در پایان جلد ششم دنباله‌ی حنیف‌زاده را چاپ کرد. (ن ک: بالا). و در پایان جلد هفتم، که آخرین آن‌ها است، فهرست کتابخانه‌ی ازهر و مدرسه‌ی ابوالذهب و کتابخانه‌ی «ردوس» و چند کتابخانه‌ی دیگر در استانبول را نهاد. چاپ دوم در مصر انجام گرفت، که غلط بسیار دارد.

چاپ سوم در استانبول از روی چاپ مصر با همه‌ی نادرستی‌های آن است.
چاپ چهارم، با تصحیح محمدشرف‌الدین یالتقیا و رفعت بیلگد کلیسلی و همکاری اسماعیل صایب‌سنجر، که پیش از چاپ درگذشت، در استانبول در دو مجلد، در 1941-1943 م است. جلد یکم 940 ستون و دوم از آن جا تا 2056 ستون چاپ و پخش شده است.

این چاپ بار دیگر در تهران به وسیله‌ی کتابفروشی اسلامیة و جعفری تبریزی همراه با دو مجلد *ایضاح المکنون* و دو مجلد هدیه *العارفین* به سال 1967 م / 1387 هـ ق افست شد. و در پایان این شش مجلد تعلیقات آقا بزرگ تهرانی بر کشف الظنون در 116 ستون به رونویسی محمد مهدی بن محمد حسن خراسان موسوی نجفی به نام *ذیل کشف الظنون* چاپ شده است.

56- فخرالدین بن محمد بن طریح (م 1085 هـ ق) نگارنده‌ی *مجمع البحرین* در لغت و کتاب‌های دیگر. وی فهرست نگاشته‌های خود را ساخته و صاحب ذریعه آن را در کتابخانه‌ی طریحی در نجف دیده است (ذریعه، ج 16، ص 378).

57- فیض کاشانی، ملامحسن (1007-1091 هـ ق) او دوبار برای نگاشته‌های خود فهرست ساخته است:
الف) فهرستی که به سال 1069 هـ ق در 62 سالگی نگاشته، و در آن تنها 68 کتاب را ولی با گستردگی بیشتر، و تعیین شمار بیت‌ها و تاریخ نگارش گزارش کرده است. این فهرست به دست صاحب *روضات* بوده و از آن نقل می‌دارد.

ب) فهرستی که در 83 سالگی، در 1090 هـ ق یک سال پیش از مرگش نگاشته است. در دیباچه‌ی آن گوید: «از بیست سالگی تا کنون یکصد کتاب نگاشته‌ام. این فهرست به سال 1302 هـ ق در کرانه صفحه‌های *الامل* شیخ حُرّ عاملی ص 68-77» همراه با *منتهی المقال* ابوعلی رجالی چاپ سنگی شده است.
از این دومین فهرست، نسخه‌هایی در دست است، که نسخه‌ی چاپی دگرگون است (ذریعه، ج 16، صص 379، 393، فهرست سپهسالار، ج 5، ص 388 فهرست *دانشگاه*، ج 12، ص 2606).

سده‌ی دوازدهم

58- الف: فهرست‌های مجلسی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، (1037-1110 هـ ق). صاحب ذریعه، سه فهرست برای نگاشته‌های وی، و یک فهرست برای مصادر کتاب او *بحار الانوار* یاد می‌کند.

1) از برادر زاده‌ی او محمد نصیر بن عبدالله مجلسی که در دو بخش بوده است: نخست کتاب‌های عربی مجلسی؛ دوم کتاب‌های فارسی او. نقل از این فهرست را صاحب ذریعه در جایی دیده است (ذریعه، ج 16، ص 380، ش 1765).

2) از نواده‌ی مجلسی، محمد حسین (م 1151 هـ ق) و ابن محمد صالح (م 1120 هـ ق) در دو «فصل» و یک «خاتمه»:

1) کتاب‌های عربی او، 10 عنوان، فارسی‌های او، چهل و نه عنوان. «خاتمه» در شمار عدد ابیات تألیفاتش، از عربی و فارسی که روی هم «یک هزار و چهارصد و دو هزار، (یعنی) ماهی یک هزار و ششصد و یک بیت و دوازده حرف و چهار دنگ حرف» نگاشته است. این فهرست از روی نسخه‌ی دکتر اصغر مهدوی مورخ 1271 هـ ق در مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران، سال 10، ش 2، صص 203-210، 1341 خ. چاپ شده است. 2) در ذریعه، ج 16، ص 380 و نجوم السما ص 165، نیز چنین توصیف شده است، ولی صاحب روضات این فهرست را نگارش داماد مجلسی، محمد صالح پدر محمدحسین پیشگفته دانسته است.

3) فهرست مصادر و منابع کار مجلسی در بحار/الانوار. یکی از شاگردان مجلسی به نام محمد بن احمد لاره‌یجانی حسینی، در ربیع یکم 1127 هـ ق این فهرست را به پایان رسانید. او در این فهرست از هر یک از کتاب‌ها که مجلسی از آن‌ها در «بحار» سود برده، با گستردگی گفتگو می‌کند. نسخه‌ای که صاحب ذریعه از این کتاب، نزد رییس کتابخانه‌ی سپهسالار دیده است، به تاریخ 1131 هـ ق پایان یافته بود (ذریعه، ج 16، ص 391).

59- ب. گنجینه‌ی شیخ صفی: ملامحمد طاهر مستوفی به سال 1172 هـ ق / 1758 م فهرستی از کتب خطی و چیزهای گرانبهای بقعه‌ی شیخ صفی فراهم کرده بود، و نسخ خطی از این فهرست به سال 1348 خ به وسیله دولت ایران خریداری و به موزه‌ی آذربایجان اهدا گردید. سپس به وسیله‌ی آقای دولتشاهی مدیر فرهنگ و هنر آن سامان نسخه برداری و به شماره 16 نشریه کتابخانه‌ی ملی تبریز، 1348 خ، 94 ص چاپ شده است.

60- ج: فهرست نگاشته‌های حزین لاهیجی، محمد علی بن ابوطالب (1103-1180 هـ ق) لیست بیش از دویست کتاب عربی و فارسی از نگاشته‌های او است، که در نجوم/السما: 283-293 هـ ق به نقل از اثر خود او آمده است. یکی از نگاشته‌های حزین «ماجری به القلم» نام دارد. و گویا این همان فهرستی باشد که از آن نقل آمده است. (ذریعه، ج 16، ص 378؛ ج 19، ص 17).

61- د: فهرست مجدوع، نگارش اسماعیل پسر عبدالرسول پسر متاخان از نوادگان لارشاه است که در شهر اجین هند به سال 1183 یا 1184 هـ ق درگذشت. او از اسماعیلیان شبه‌قاره هند بود و کتاب زیرین را در فهرست آثار آن گروه به ترتیب درجات مذهبی آموزش نزد ایشان به عربی در 11 بخش نگاشت. بخش 12 را در کتب متفرقه مانند خاتمه-ی کتاب نهاد.

فهرسه الکتب و الرسائل و لمن هی من العلماء و الائمه و الحدود الافاضل، حقه و علق علیه و قدم له علینقی منزوی، منشورات مکتبه الأسدی، چاپخانه‌ی دانشگاه تهران 1344 م / 1966 م، 419 ص + 20 ص. مقدمه در احوال نگارنده و معرفی شانزده عنوان از تألیفات او است

62- سده‌ی سیزدهم، کشاکش‌های ایدئولوژیک میان طرفداران سانترالیسم مذهبی، زیر عنوان «رکن رابع» «باب» و طرفداران آزادی اجتهاد سنتی در حق‌الله، جامعه‌ی ایران را در این سده، از توجه به فهرست‌نگاری بازداشت، و تنها چند اثر کم اهمیت در این زمینه در این سده دیده می‌شود. ولی هند در این سده، در اثر پیوند با تمدن و فرهنگ اروپا، آغازگر فهرست‌نگاری بر شیوه‌ی نوین شد. و چند فهرست برای دست‌نوشته‌های فارسی و عربی و ترکی و اردو موجود در هند، از آن میان کتابخانه‌ی کهن‌سال «انجمن آسیایی بنگال» پخش شده که از بحث ما بیرون است.

63- احمدعلی احمد به سال 1289 هـ ق / 1872 م به نگارش فهرستی از مثنوی‌سرایان پرداخت، و به شمار وزن-های هفتگانه‌ی مثنوی، کتاب را بر یک «اوج» (مقدمه) و هفت «آسمان» و یک افق (خاتمه) بخش بندی کرد، و تذکره‌ی هفت آسمان نامید. آسمان یکم در بحر سریع مطوی موقوف ی‌عنی بحر مخزن الاسرار نظامی گنجوی است. در این جا 78 مثنوی را که در پیروی مخزن الاسرار سروده شده گزارش کرده است، و در کلکته 1289 هـ ق /

1873م چاپ شده و سپس همان چاپ در تهران 1965م افست شده است. از نگارش بخش‌های دیگر آگاهی در دست نیست.

64- کثنوی یزدی، حسن بن علی (م کربلا 1297هـ ق)، شاگرد حجه الاسلام شفتی زندگینامه‌ی او در طبقات اعلام الشیعه، سده 13، ص 342 و مصفی المقال، ص 138 آمده است. هدیه الاسماء فی بیان کتب العلماء فهرستی است کوتاه از کتاب‌های مشهور شیعه و اندکی از سنیان، به ترتیب الفبایی، در 28 «باب»، ششصد و چهل کتاب را معرفی کرده است، و در ربیع اول 1260هـ ق به انجام رسانده است.

چاپ: با پیشگفتار محمد تقی دانش پژوه، از روی نسخه‌ی دست‌نویس نگارنده و افزوده‌هایی از نسخه‌ی دیگر، و فهرست‌ها و 14 نمونه دست‌نویس دفتر ششم در نشریه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، تهران، 1348 خ، صص 1-62 است.

در پیشگفتار پیشگفته نشانی 5 نسخه‌ی آن داده شده است. و بیفزایید نسخه‌ی مرعشی قم مورخ 1305هـ ق. (فهرست دانشگاه، ج 2، ص 681؛ فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی، اشکوری، ج 1، ص 68؛ ذریعه، ج 16، ص 390؛ ج 25، ص 169).

65- سده‌ی چهاردهم: هر چند در این سده به سبب گسترش پیوندهای خاورمیانه با اروپا، فهرست‌نگاری به شیوه‌ی نوین اروپایی پدید آمد. که بحثی جداگانه را شاید. ولی باز چند نمونه از فهرست به شیوه‌ی کهن و یا دورگه و حد وسط میان دو شیوه‌ی کهن و نوین دیده می‌شود که ما آن‌ها را در پایان این بخش آوردیم.

66- نوری، حاج میرزا حسین (27 جمادی دوم 1254هـ ق / 1320هـ ق)، نگارنده‌ی مستدرک الوسایل و فصل الخطاب و دیگر آثار فراوان و استاد صاحب ذریعه است. او به سال 1297هـ ق که هنوز در سامره می‌زیست فهرستی برای کتابخانه‌ی خود نگاشت، که از 500 بیت بیشتر بود (ذریعه، ج 16، صص 390-391) این فهرست، حاوی کتاب‌های چاپی و خطی، به ترتیب الفبایی و به زبان فارسی است. و در مجموعه آشنایی با چند نسخه‌ی خطی، دفتر 1، قم، 2535 / 1396هـ ق، ص 129-153 به نام فهرست کتابخانه‌ی حاجی میرزا حسین نوری با پیشگفتار مدرسی طباطبایی چاپ شده است.

67- جنفوری، محمد مرتضی جنفوری هندی حسینی (م پیرامون 1337هـ ق) شاگرد حاج میرزا حسین نوری پیشگفته. وی فهرستی برای تألیفات همان استاد پیشگفته‌ی خود، به زبان فارسی، در 300 نوشته نگاشته است و در پایان لؤلؤ و مرجان در شرط پله‌ی اول و دوم روضه خوان نوری (ذریعه، ج 18، ص 388) در 1320هـ ق چاپ شده است. (ذریعه، ج 6، ص 379).

68- ثقه الاسلام تبریزی میرزا علی، (1277-1330) شهید ملی ایران به دست روسها، مرآت الکتب را در دو بخش نگاشت: 1) به ترتیب نام دانشمندان بدون ذکر کتب؛ 2) در ذکر کتب ایشان به سال 1368 خ. برادرزاده‌ی مؤلف عبدالله ثقه الاسلامی چهار مجلد که نیمه‌ی اول آن کتاب است را به خط مؤلف به صورت افست چاپ و پخش کرد.

69- ابوالقاسم ابراهیمی (1314-1389هـ ق) پسر زین‌العابدین (1276-1360هـ ق) پسر کریم‌خان کرمانی قاجار. وی فهرست کتب مشایخ عظام. وی را به درخواست کتبی آقای اوکتایی، رییس کتابخانه‌ی آستان قدس، در 1328 هـ ق، در دو جلد نگاشت: جلد یکم زندگینامه‌ی نگارنده پدرش زین‌العابدین عمویش محمدخان (1263-1334هـ ق) و نیایش محمد کریم‌خان (1225-1288هـ ق) و سید کاظم رشتی (1212-1259هـ ق) و شیخ احمد احسایی (1166-1241هـ ق) است؛ جلد دوم در پنج بخش است: 1) آثار شیخ احمد احسایی (بنیان‌گذار

گروه) در نه بخش؛ 2) آثار سید کاظم رشتی، در هفت بخش؛ 3) آثار محمد کریم‌خان، پانزده بخش؛ 4- آثار محمدخان، ده بخش؛ 5) آثار زین‌العابدین کرمانی، شش بخش؛ پایان نامه در آثار نگارنده‌ی فهرست ابوالقاسم ابراهیمی.

چاپ: چند بار چاپ شده، سومین بار، چاپخانه‌ی سعادت کرمان، تاریخ (1389 هـ ق) در 653 + 12 ص چاپ کرده است. نگارنده‌ی فهرست‌های زیر را به عنوان منبع کار خود (ص 214 - 216، همان چاپ) یاد کرده است. 1) فهرست سید که سید کاظم رشتی برای آثار شیخ احسایی فراهم کرده و نسخه‌ی آن به خامه‌ی نگارنده‌اش در کتابخانه‌ی این گروه در کرمان هست.

2) فهرست فائقی که سید عبدالمجید فائقی، در 1345 هـ ق برای آثار این گروه نگاشته است. نسخه‌اش در همان کتابخانه نگهداری می‌شود.

3) فهرست کوچک که فهرستی کوتاه با که نگارنده‌ای ناشناس به روزگار کریم‌خان پیشگفته (1225 - 1288 هـ ق) از کارهای این گروه نگاشته بود.

4) شرح احوال شیخ احمد احسایی، به خامه‌ی محمد طاهر کرمانی عموی ابوالقاسم ابراهیمی نگارنده این فهرست. نسخه‌ی این یکی نزد ایشان است.

در ذریعه (ج 16، ص 383) نسخه‌ای ناشناس از فهرست رسایل شیخ احمد احسایی در کتابخانه‌ی خونساری نجف نشان داده شده است، که گویا جز این یادشده‌گان باشد.

70- آقا بزرگ تهرانی (منزوی)، زاده در پامنار تهران، 1293 هـ ق / 1876 م حرکت به عراق 1313 هـ ق / 1895 م، سکونت در نجف 1315 - 1329 هـ ق شاگردی حسین نوری (م 1320 هـ ق / 1902 م) و آخوند خراسانی (م 1329 هـ ق / 1911 م)، سکونت در سامره 1329 - 1354 هـ ق بازگشت به نجف 1354 هـ ق / 1935 م، مرگ ذیحجه‌ی 1389 ق / .

الذریعه الی تصانیف الشیعه را شاید بتوان حلقه‌ی میانه‌ی فهرست‌نگاری مذهبی قدیم و شیوه‌ی نوین دانست. هنگامی که جرجی زیدان مسیحی (1861 - 1914 م) کتاب تاریخ تمدن اسلامی را در 1902 و تاریخ آداب اللغه العربیه را در 1911 م منتشر کرد، و از این روی از نخستین کسان شمرده می‌شود که به ناسیونالیسم عرب، به معنی امروزی آن، بالیده و اسلام سنتی را پرچم مذهبی آن نشان داد. ناگزیر ادبیات مسلمانان غیر عرب و مذهب‌های غیر سنی اسلام، در کارهای او در مرتبه‌ی دوم نهاده شده و گاهی به گونه‌ای تحقیرآمیز از آن‌ها یاد شده است. [این برداشت برای روحانیون روشنفکر ایرانی و شیعی که دور مرحوم آخوند خراسانی (م 1329 هـ ق / 1911 م) در نجف گردآمده، از بیرون مرز ایران به مشروطه‌خواهان درونی کمک می‌کردند، و خود را مسئول بخش شیعی جهان اسلام می‌دانستند گران آمد و سه تن از آنان به نام سید حسن صدر (م 1354 هـ ق / 1935 م) و محمد حسین کاشف الغطا (م 1377 هـ ق / 1957 م) شیخ آقا بزرگ تهرانی، طبق قراری که در شرح حال صاحب ذریعه آمده است، هر یک تعهد کردند که گوشه‌ای از بار پاسخگویی بدان را بر دوش کشند. آقا بزرگ از سال 1911 تا 1936 م دوره‌ی الذریعه الی تصانیف الشیعه را فراهم کرد. [مجلدات آن عبارتند از]:

ج 1، نجف، 1355 هـ ق / 1936 م، دارای 1608 عنوان از حرف الف، در 450 ص که 800 شماره‌ی آن «اجازه» است، که بهترین نمودار زنجیره‌ی طبقات دانشمندان است.

ج 2، نجف، 1356 هـ ق / 1937 م، دارای 2045 عنوان از بقیه‌ی حرف الف است، در 524 ص، و در عنوان «اصل» 127 از «400 اصل» شیعه شناسانده شده است.

- ج 3، نجف، 1357 هـ ق / 1938 م، دارای 1918 عنوان از حرف «ب»، «پ» و بخشی از «ت» است، که در 496 ص.
- ج 4، تهران، 1363 هـ ق / 1943 م، دارای 2304 عنوان، در 520 ص. تاریخچه‌ی تقویم‌نویسی و فهرستی از پیرامون هفتصد تفسیر قرآن، در حرف «ت» این مجلد دیده می‌شود. از این مجلد تا مجلد 15 با تحقیق و افزودگی‌های فرزند نگارنده علینقی منزوی منتشر شده است.
- ج 5، تهران، 1324 خ / 1944 م، شامل حرف‌های «ث»، «ج»، «چ»، و معرفی 1514 کتاب، که در 520 ص است.
- ج 6، تهران، 1326 خ / 1947 م، دارای 2473 عنوان است، که 763 شمار آن عنوان، «حدیث» دارد و تاریخ آن-ها مانند «400 اصل» به سده‌های نخستین اسلام برمی‌گردد. بخش «حاشیه»های این مجلد نیز شامل 1273 حاشیه است در 412 ص.
- ج 7، تهران، 1327 خ / 1948 م، بویژه بخش‌های «خمس» و «خطبه» در این مجلد دارای اهمیت تاریخی است.
- ج 8، تهران، 1329 خ / 1950 م، حرف «د» به استثنای «دیوان»ها در 300 ص.
- ج 9، تهران، 1333 تا 1346 خ، ویژه «دیوان»ها، در چهار مجلد، روی هم 1541 ص. آثار پیرامون 8500 سراینده در آن معرفی شده است و در پایان فهرست الفبایی از آثار سرایندهگان دارد.
- ج 10، تهران، 1335 خ / 1956 م دارای حرف «ذ» و چندی از «ر» است در 272 ص.
- ج 11، تهران، 1337 خ / 1959 م، بقیه‌ی حرف «ر» در 346 ص.
- ج 12، تهران، 1340 خ / 1962 م، حرف «ز» و «س» در 295 ص.
- ج 13، نجف، 1959 م، نیمه‌ی حرف «ش» در 400 ص.
- ج 14، نجف، 1961 م، بقیه‌ی حرف «ش» در دو مجلد حرف «ش» 2573 کتاب شناسانده شده است. بخش «شرح»های این دو مجلد که پیرامون 1900 شماره است، مانند بخش «حاشیه»ها در مجلد ششم، ادبیات تعلیقی و توضیحی و دنباله روی سده‌ی نهم به بعد را نشان می‌دهد.
- ج 15، تهران، 1343 خ / 1965 م، شامل حرف‌های «ص»، «ض»، «ط»، «ظ»، «ع» در 400 ص
- ج 16، تهران، 1346 خ / 1968 م، شامل حرف‌های «غ» و «ف» از مجلد به بعد به سبب انتقال علینقی منزوی به بیروت، به تصحیح احمد منزوی فرزند دوم نگارنده چاپ شده است در 442 ص.
- ج 17، تهران، 1387 ق / 1967 م، شامل حرف «ق» و نیمه‌ی از «ک» است در 333 ص.
- ج 18، تهران، 1387 ق / 1967 م، شامل باقی مانده‌ی حرف «ک» و همه‌ی «ل» در 436 ص.
- ج 19، تهران، 1389 ق / 1969 م، پیرامون یک پنجم حرف «م» در این مجلد آمده است، در عنوان «مثنوی» 1500 منظومه نشان داده است در 409 ص.
- ج 20، تهران، 1390 ق / 1970 م، چند ماه پس از مرگ نگارنده منتشر شده و بدین مناسبت شرح حال و عکس او در آغاز این مجلد چاپ شده است، در یب + 428 ص.
- ج 21، تهران، 1392 ق / 1972 م در 451 ص
- ج 22، تهران، 1393 ق / 1974 م در 443 ص .

ج 23، تهران، 1395 ق / 1975 م، آخرین مجلد از حرف «م» و آخرین مجلد تصحیح احمد منزوی است، که به سبب اشتغال او در پاکستان به نگارش فهرست مشترک پاکستان کار ذریعه را در تهران دوباره علینقی منزوی به دست گرفت در 362 ص.

ج 24، تهران، 1398 ق / 1978 م، شامل همه‌ی حرف «ن» در 488 ص.

ج 25، تهران، 1398 ق / 1978 م، شامل حرف‌های «و»، «هـ»، «ی» و در پایان تاریخچه‌ی چاپ دوره‌ی 25 مجلدی ذریعه و جدول استدراکات آن، در 143 ص.

ج 26، مشهد، 1405 ق / 1985 م، مستدرکات ذریعه است که به خامه‌ی نگارنده موجود بود و به کوشش سید

احمد حسینی جزو انتشارات آستان قدس چاپ شده است در 315 ص.

تبویب الذریعه الی تصانیف الشیعه، الفه الحاج السید احمد الدیباچی اصفهانی، تهران، 1352 خ / 1393 ق، در

365 ص

فهرست موضوعی سه مجلد 1-3 نخستین ذریعه است. هر مجلد جداگانه، در بیست موضوع که عبارتند از: ادبیات، دعا، اصول دین، اصول فقه، تاریخ، تراجم، تفسیر، جغرافیا، حدیث، دیوان، ردود [ردیه‌ها]، ریاضی، سیاست، شروح، پزشکی، فقه، فلسفه، متفرقه و مرآتی.

معجم مولفی الشیعه، تألیف علی فاضل قاینی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، 1365 خ، 528 ص.

فهرست مؤلفان مذکور در ذریعه به ترتیب الفبایی در نام نگارندگان است، و به دنبال هر کس نام نگاهشته‌هایش آمده است.